اهدای نشان کیارستمی در جشنواره فیلم کوتاه تهران

خبر آنلاین: یاد عباس کیارستمی فیلمساز بزرگ سینمای ایران و جهان با اعطای نشان او در سی و سومین جشنواره فیلم کوتاه تهران گرامی داشته می‌شود. نشان کیارستمی که به افراد شاخص و تاثیرگذار سینما به خصوص فعالان فیلم کوتاه اهدا می شود، تلاشی است برای پاسداشت این فیلمساز فقید که نامش تا همیشه در تاریخ سینمای جهان جاودانه خواهد ماند. همچنین از تندیس مولانا در جشنواره سی و سوم فیلم کوتاه تهران رونمایی می شود. این تندیس که به پاسداشت فرهنگ و ادب کهن ایران اسلامی با عنوان مولانا طراحی شده است به عنوان نشان ویژه جشنواره به آثار برتر جشنواره فیلم کوتاه تهران اهدا می‌شود. سی و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران ۱۸ تا ۲۴ آبان به دبیری فرید فرخنده کیش برگزار می‌شود.

اصغر فرهادی برای روزنامه نگار فقید نوشت

نسل فردا: کارگردان صاحب اسکار با انتشار پیامی همدردی خود را با خانواده محمدرضا رستمی روزنامه‌نگار و نویسنده ابراز کرد. اصغر فرهادی برای ابراز همدردی با خانواده دبیر سابق سرویس فرهنگ خبرگزاری خبرآنلاین، متنی را به این شرح منتشر کرد: «خانواده محترم زنده یاد رضا رستمی. تسلیت و همدردی مرا در اندوه بزرگ این روزهایتان پذیرا باشید. آرزوی بردباری برای شما و آرامش برای آن نازنین که یکی از با اخلاق‌ترین نویسندگان عرصه رسانه‌ای فرهنگ و هنر بود، دارم.» زنده‌یاد محمدرضا رستمی، پس از جراحی تومور مغزی، به کما فرو رفت و شبانگاه چهارشنبه ۲۸ آبان درگذشت. پیکر این روزنامه‌نگار و نویسنده با حضور جمع زیادی از دوستان، همکاران و همشریان در اسدآباد همدان تشییع و به‌خاک سپرده شد.

نسل فردا
NasleFarda.net
naslefardanews
naslfarda
پنجشنبه ۶ آبان ۱۳۹۵
سال بیست و پنجم | شماره ۵۲۵۰
۲۷ اکتبر ۲۰۱۶ | ۲۵ محرم ۱۴۳۸
روزنامه رسمی جامعه ایران

نگاهی به اخلاق رسانه ای در میان اهالی رسانه ها

اعتراض جمعی؛ شاید راهگشا

روژیار جوانمرد
گروه فرهنگ و هنر

عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای چه در حوزه رسانه و چه در ساحت‌های مختلف فرهنگ یکی از این وضعیت‌هایی است که اغلب کم و بیش مورد بحث بوده و گاه‌گاه به آن پرداخته شده است. این عدم رعایت اخلاق، در موارد متعددی نمود داشته است مانند عدم التزام ناقلان مطالب و متون به رعایت حقوق مولفان و منابع مادر، بازنشر کامل اثر در فضاهای مجازی بدون کسب رضایت مولف یا خالق آن و ...

اخلاق رسانه‌ای در میان اهالی رسانه

در این میان اما یک مورد مرسوم و معمول بی‌اخلاقی رسانه‌ای همچنان به دست فراموشی سپرده شده و روز به روز، قبح ارتکاب به آن از میان برداشته می‌شود. این رفتار تا آنجا بدیهی و معمول شده که مرتکبان به آن، جنبه‌های غیراخلاقی آن را به کلی فراموش کرده‌اند؛ از میان نشریات مجازی و کاغذی روزانه و هفتگی و ماهانه و ... بسیاری از آنها با توسل به محتویات تولیدی منابع دیگر اعم از خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های اینترنتی و دیگر رسانه‌های مکتوب، صفحات خود را تهیه کرده و به دست مخاطبانشان می‌رسانند. بدیهی است که روزنامه‌نگاری یکی دو دهه‌ای است، فضاها و امکانات تازه‌ای را به لحاظ نوع تهیه و ارائه خبر و گزارش تجربه می کند و کمتر با اصطلاح خبرنگار / گزارشگر به آن تعریف سنتی خود دست کم در رسانه‌های مکتوب روبه‌روهستیم. رسانه‌ها اغلب بانظر به گزارش‌های تولیدی خبرگزاری و بنگاه‌های خبررسانی، بیشتر وظیفه کولاژ گزارش‌ها و مدیریت اخبار موجود و آماده را بر عهده گرفته‌اند و در متعالی‌ترین صورت، ریویویی همراه با تحلیل و پیگیری حواشی خبر ارائه می‌دهند؛ البته همه شمایل پدیدار از این وضع تازه، سلبی و ناگوار نیست و نشان‌دهنده رسیدن به امکاناتی به‌روزتر برای نیل به اهدافی مهمتر نیز می‌تواند باشد، اما اتفاقی را که در این میان می‌افتد نیز نباید با همین ایجاب و مثبت‌اندیشی بررسی کرد. این رسانه‌های مکتوب که اغلب از محتوای رسانه‌های مجازی ارتزاق می کنند، گاه در رابطه با انتقال مطالب آنها حق‌گذار نیستند و به کلی اشاره‌ای به منبع محتوای انتقالیشان نمی کنند، اما عکس این رفتار غیراخلاقی و در عین حال غیرحرفه‌ای هم کم دیده نمی‌شود. هستند رسانه‌های مجازی که مطالب رسانه‌های مکتوب را کپی می کنند بی‌آنکه به محل انتشار نخستین آن مطلب اشاره کرده باشند و به اصطلاح لینک مطلب را همراه نقلشان نمی کنند. در این میان، چند پرسش مطرح است؛ آیا پیامدهای عادی‌شدن این رفتار غیراخلاقی، چیزی جز بروز تشویش و بی‌اعتمادی در فضای رسانه‌ای است؟ آیا قانونی در تعریف این موارد و نیز برای بازداشتن متخلفان از آن وجود دارد؟ و مهم‌تر از این، آیا اراده‌ای از سوی مرجعی قانونی برای جلوگیری از این بی‌اخلاقی‌ها وجود دارد؟

قانون چه کاری از دستش بر می‌آید؟

تنها قانونی که در این رابطه موجود است، قانون قدیمی و نیم‌بند "حمایت از مولفین و مصنفین و هنرمندان" است که پس از تصویب مجلس سنا در تاریخ روز دوشنبه سوم آذرماه ۱۳۴۸، در جلسه روز پنجشنبه یازدهم دی‌ماه همان سال به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسیده است. در ماده ۷ از فصل دوم "قانون حمایت از مولفین و مصنفین و هنرمندان" آمده: "نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ است با ذکر ماخذ در حدود متعارف مجاز است". و در ماده ۱۹ همین فصل از این قانون اضافه شده است: "هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است".

در فصل چهارم این قانون که مربوط به تخلفات و نوع مجازات‌هاست، ذیل ماده ۲۳ می‌خوانیم: "هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است، به نام خود یا به نام پدیدآورنده، بدون اجازه او یا عالما یا عامدا به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده، نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد." و نیز در ماده بعدی اضافه شده است: "هرکس بدون اجازه، ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند، به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک‌سال محکوم خواهد شد".

انتقادات بسیاری به این قانون وارد است؛ نخست اینکه از زمان تصویب آن نزدیک نیم‌قرن می گذرد و بدیهی است که باید طبق مقتضیات زمان، تجدید نظری کلی در مواد آن صورت بگیرد. از یک‌سو، شگفت‌آور است که لزوم تجدیدنظر در مفاد این قانون پس از گذشت این همه سال از سوی مسئولان احساس نشده است. البته سه سال پیش "شورای ملی سیاستگذاری و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در زمینه مالکیت معنوی" در راستای روزآمدکردن قوانین و مقررات ناظر بر حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط و نیز پیوستن به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه (مانند قانون کپی‌رایت که شامل حق تالیف، تکثیر، اختراع، ابداع و حق معنوی و مادی است)، تلاش‌هایی صورت داد، تا آنجا که پیش‌نویس قانونی جامع با عنوان "حقوق مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط" را تهیه و برای بررسی به هیئت دولت ارائه داد، اما این مهم، تا کنون در حد همین پیش‌نویس مانده است.

از سوی دیگر در قانون حمایت از مولفین و ...، قوانین موجود چندان شفاف نیست و ابهامات جدی و اساسی نیز در آن دیده می‌شود. علاوه بر عدم انطباق مواد این قانون سالمند، با قوانین موجود در جامعه، محدودیت‌های قانونی و قابل اجرا نبودن برخی مجازات‌های تعبیه شده در آن، از مهم‌ترین کاستی‌های آن است. در رابطه با مطبوعات و وضعیت حقوق نویسندگان مطبوعات نیز این قانون بسیار ناقص است. این در حالی است که بسیاری از نهادها و انجمن‌های روزنامه‌نگاری در دنیا، خود را پایبند به اصول اخلاقی خاصی معرفی می کنند و گاه آن اصول را تدوین کرده و به صورت بسته‌ای پیشنهادی عرضه می کنند. تعداد این اصول و قوانین تدوین‌شده بسیار است و اما در این میان یک استاد دانشگاه در موسسه مطبوعاتی فرانسه پس از بررسی بسیاری از این قوانین از کشورهای مختلف، آنها را در سه محور خلاصه کرده که یکی از آنها اینگونه صورت‌بندی شده است: "ممنوعیت‌های بنیادین از جمله دروغ گفتن، باعث آزار بی‌جهت کسی شدن یا تصاحب آنچه به دیگری تعلق دارد". در این اصول معرفی شده از "ژان برتران" مهم‌ترین اصول اخلاقی همچنان، در رابطه با صداقت در امانت است.

از ماست که بر ماست

با همه اینها، همچنان محل پرسش است که آیا با توجه به مفاد قانون حقوق مولفین و مصنفین، اگر اثری مورد سوءاستفاده قرار گرفت، صاحب آن اثر می تواند به دادگاه مراجعه و از تضییع کنندگان حقوقش ادعای خسارت کند و آیا پدیدآورنده‌ای که به مراجع قضایی برای حفظ و دفاع از حق و حقوقش مراجعه می کند، به‌راحتی می‌تواند حقش را بگیرد و افراد خاطی نیز به سزای عمل مجرمانه و غیراخلاقی خود می‌رسند؟

بی‌اخلاقی‌ها منحصر به فضای رسانه نیست. اتفاقا مدتی است چند اتفاق پشت سر هم در فضای فرهنگی که البته ربطی هم به هم ندارند و نمی‌توان از آنها به عنوان جریانی متعین در مخدوش کردن اخلاق فرهنگی یاد کرد، لزوم رصد مقوله اخلاق در حوزه فرهنگ را دوباره یادآوری کرده است. در اینگونه موارد، اغلب، مولفان و پدیدآورندگان آثار در قبال پایمال شدن حق کس دیگری از هم‌صنفانشان، حساسیتی از خود نشان نمی‌دهند؛ در صورتی که با توجه به تجربه‌هایی از این دست که نشان داده اعتراض‌ها و شکایات شخصی اغلب نتیجه‌ای در برنداشته‌اند، اعتراض جمعی به بی‌اخلاقی در رعایت حقوق معنوی فعالان فرهنگی، می‌تواند راهگشا باشد؛ اتفاقی که در یکی دو مورد از انواع عدم رعایت حقوق افراد فرهنگی افتاد و این به مرور باعث می‌شود، آنها که عدم رعایت را چندان قبیح و ناپسند در نظر نمی‌آوردند، در مقابل این صدای رساتر، کمی به اعمال خود فکر کنند.



روایت ٤ روزنامه‌نگار از کودتا، انقلاب و ایران امروز



«چند تکه لغزان بر لبه سُران یک وضعیت پیچان» نمایشی به نویسندگی و کارگردانی علیرضا اجلی است که از ۹ آبان در تماشاخانه باران روی صحنه می‌رود. در خلاصه آن آمده است: چهار روزنامه‌نگار در انتظار بازگشت مدیر مسئول؛ (لغزان: مصدق برای براندازی اون نظم کاذب مبارزه می کرد، سُران: بابا چند قدم رفته عقب دادزده ابراهیم، ابراهیم، پیچان: غایب شده بود پسوند برای شیدا، معصومی غایب.)

علیرضا اجلی، نویسنده و کارگردان نمایش «چند تکه لغزان بر لبه سُرانِ یک وضعیت پیچان» گفت: «این نمایش زمینه‌ای اجتماعی دارد. دبیر صفحه آخر مطلب طنزی را نوشته و حالا او و سه روزنامه‌نگار دیگر نشریه منتظرند مدیرمسئول از دادگاه برگردد و ببینند که روزنامه توقیف شده یا نه و در این میان سه دوره؛ یعنی سال ۱۳۳۲، سال ۱۳۵۷ در کنار زمان حال مرور می‌شود. خاطرات این سال‌ها به واسطه پدر و مادر و خانواده این چهار روزنامه‌نگار که در آن دوره‌ها حضور داشته‌اند، مرور روایت می‌شود.»

اجلی درباره آشنایی خود با حرفه روزنامه‌نگاری گفت: «من مدت زیادی حق‌التحریری کار کرده‌ام و مدتی هم در ماهنامه‌ای حضور داشته‌ام و مشکل احضار به دادگاه و مسائل مرتبط با آن، تجربه‌ای بوده که شاهد آن بوده‌ام و به نوعی دغدغه شخصی‌ام بوده است.» این نویسنده و کارگردان با اشاره به انتخاب این موضوع برای نمایش خود گفت: «این انتخاب یک دغدغه شخصی بود؛ از طرفی این موضوع ذهنم را درگیر کرده بود و از سوی دیگر می‌خواستم سه دوره تاریخی را اضافه کنم. سه دوره تاریخی در این نمایش مرور می‌شود و یک سری بازی‌های کلامی در کار وجود دارد که در بافت بازی‌های کلامی و در بافت متن به نتایج خاص خود می‌رسد که با مخاطب هم این را در میان می گذارم و این سه دوره به نوعی مرور می‌شود. مرور این سه دوره، از بعد تاریخی اجتماعی است، اما آن‌ها را دراماتیک می کند؛ یعنی اینطور نیست که نمایش با جزئیات خاص به تاریخ نگاه کند. بلکه خیلی کلی واز این دید چهار شخصیت نمایش به تاریخ می‌پردازد؛ هرکدام از این چهار نفر به فراخور صفحه‌ای که دبیرش هستند و با انگیزه‌های مشخص به این دوره‌ها و مسائل نگاه می کنند.»

این نویسنده و کارگردان با بیان اینکه «این چهار روزنامه‌نگار انسان‌های چندان پرمایه‌ای نیستند، بلکه شکننده‌اند» گفت: «مثلا «سیمین» دبیر صفحه آخر اصلا علاقه‌ای به روزنامه‌نگاری ندارد ولی کریم، شخصیت دیگر نمایش به کارش علاقه‌مند است. این دبیرها هرکدام نماینده قشری از جامعه هستند ولی اینکه خود دبیران صفحه دغدغه اجتماعی، سیاسی داشته باشند، اینطور نیست. سیروس و سیمین خواهر و برادر هستند و توطئه‌ای راه‌انداخته‌اند که مطلب طنزی بنویسند که بتوانند پناهندگی بگیرند و از ایران مهاجرت کنند.» اجلی با بیان اینکه «نمایش روایتی تو در تو دارد و با فلش بک و فلش فوروارد روایت می‌شود» گفت: «در روایت این سه دوره از زبان شخصیت‌ها، مدام رجعت به گذشته و حال اتفاق می‌افتد و می‌توان گفت «چند تکه لغزان بر لبه سُران یک وضعیت پیچان» به شدت دارای کَارهای زبانی و فرمی است.»

او با اشاره به اینکه «نمایش وضعیت سیاسی اجتماعی کودتای ۲۸ مرداد و انقلاب اسلامی را مرور می کند، اما نه با جزئیات» گفت: «بحران در این نمایشنامه مهم است، اما اینطور نیست که بخواهم وارد جزئیات شوم. درواقع تاریخ از زبان این چهار روزنامه‌نگار و با تحلیل من از این دوران روایت می‌شود در اندازه‌ای که نمایش دراماتیک شود؛ وگرنه مثلا در این اثر به مصدق نزدیک نمی‌شود. این داستان در هیچ جای دیگری جز این دفتر روزنامه نمی‌توانست اتفاق بیفتد؛ درواقع این نشریه بستری است برای روایت این سه دوره و زندگی این چهار شخصیت. این چهار نفر که فکر می کنند دغدغه مشترکی دارند، اما در واقع ندارند؛ روزنامه‌نگارانی هستند که در عین حال آدم‌های عادی محسوب می‌شوند.»

این نویسنده و کارگردان گفت: «شیوه اجرایی از اسم نمایشنامه هم مشخص است؛ سه دوره لغزان و سران و پیچان روایت می‌شود که به‌طور مثال، زمان حال با تکنولوژی آن، دوره‌ای پیچان است. این نمایش در هفت صحنه طراحی شده است و تلاش کردم از یک سری المان‌ها استفاده کنم که این مفهوم را بیشتر منتقل کند.» علیرضا اجلی ادامه داد: «شیوه رئالیستی را برای کار انتخاب نکردم؛ مثلا تلفن روی هوا رهاست یا یک سری کارتن هست که از سوی این شخصیت‌ها به طرف هم پرت می‌شود و اصلا دفتر شبیه دفترهای مرسوم روزنامه که می‌شناسیم نیست چون نخواستم شیوه معمول باشد؛ زیرا خود متن به شدت خاصیت‌های زبانی دارد.» بهاران بنی‌احمدی، امیر سفیری، مهتاب ثروتی و ماهان خورشیدی چهار بازیگر نمایش «چند تکه لغزان بر لبه سُرانِ یک وضعیت پیچان» هستند که به نویسندگی و کارگردانی علیرضا اجلی از ۹ تا ۲۱ آبان ساعت ۲۱ در تماشاخانه آبان روی صحنه خواهد رفت.

پرواز همای به آمریکا می‌رود



تور کنسرت‌های خواننده گروه «مستان» اواخر آبان در ایالت‌های مختلف آمریکا برگزار خواهد شد. پرواز همای بعد از برگزاری تورهای تهران و شهرستان به زودی در ادامه این برنامه به آمریکا سفر خواهد کرد. این کنسرت‌ها از اواخر آبان ماه آغاز شده و تا آذرماه ادامه پیدا خواهد کرد. همای با همراهی گروه خود؛ یعنی «مستان» در این اجراها حضور پیدا خواهند کرد.

این خواننده روز ۱۲ نوامبر مصادف با ۲۲ آبان ماه ساعت ۲۰ در ایالت سن متیو در سالن هنرهای صحنه‌ای، ۱۳ نوامبر مصادف با ۲۳ آبان ماه ساعت ۱۹:۳۰ در ایالت سن دیگو در سالن موزه هنرهای معاصر، ۲۶ نوامبر مصادف با ۶ آذرماه ساعت ۲۰ در ایالت ایروان (کالیفرنیا) سالن تئاتر بارکلی و ۲۷ نوامبر مصادف با ۷ آذرماه ساعت ۱۹ ایالت لس آنجلس سالن قصر تئاتر روی صحنه خواهد رفت.

همای در این کنسرت قطعاتی را مانند به نام یزدان، گمنام، مادر، بی‌کس، مه‌پاره، در شب گیسوان تو، دیوانه‌تری، گرگِ درون، عیب رندان، من که می میرم و سرزمین بی کران را اجرا می‌کند.

این خواننده گیلانی همراه با رهبر ارکستر ایتالیایی انریکو جرولا در این کنسرت‌ها حضور پیدا خواهند کرد. در این کنسرت‌ها علاوه بر پرواز همای به عنوان خواننده، آهنگساز، شاعر و رهبر ارکستر، میلاد علی پور (تار)، مسلم علی پور (کمانچه)، محمد نوذری (سنتور)، پاشا هنجی و سعید فهیمی (نی)، اسفندیار شهمیر (نی و دف)، پیمان خازنی (بم‌ساز) و حمیدرضا یوسفی (تنبک و جیمبی)، اعضای گروه «مستان» را تشکیل می‌دهند.

یادداشت

سعید آقاخانی از «آبا جان» و وضعیت سینمای امروز گفت

سعید آقاخانی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون این روزها فیلم «روند» ساخته پوریا آذربایجانی را بر پرده سینماها دارد. او درباره فعالیت‌های اخیر خود گفت: «فیلم آباجان به کارگردانی هاتف علیمردانی را آماده اکران دارم که قرار است در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآید. قرار بود در کار جدید بهروز شعیبی حضور داشته باشم که به دلیل هماهنگ نبودن زمان، آن کار را کنسل کردم. یک کار مستند به نام "جهت" هم برای تلویزیون انجام دادم که درباره پیشگیری از اعتیاد است. در این برنامه با مردم، بهبودیافتگان از بیماری اعتیاد، کسانی که درگیر اعتیاد هستند و خانواده‌ها به گفت وگو پرداختم.» آقاخانی درباره نقشی که در فیلم سینمایی آباجان دارد، بیان کرد: «قصه آباجان در دهه ۶۰ روایت می‌شود و قصه یک خانواده است که من نقش داماد آن خانواده را بازی می کنم.»

بازیگر فیلم سینمایی ضدگلوله در ادامه در پاسخ به این سؤال که چرا این روزها کمتر آثار تلویزیونی با اقبال مواجه هستند و کارهای با کیفیتی نیستند، به تغییر مدیریت‌ها در صداوسیما اشاره کرد و افزود: «یکی از دلایلی که امروز مثل گذشته سریال‌های باکیفیت تولید نمی‌شود، تغییر مدیریت‌هاست؛ چرا که با هر بار تغییر مدیریت، تلویزیون سیستمش به هم می‌ریزد. تلویزیون روی یک جوان سرمایه‌گذاری می کند و او را پرورش می‌دهد تا به یک مدیر پخته و باتجربه تبدیل شود و درست در زمانی که باید پس از کسب تجربه از این مدیر کارساخته، بهره‌برداری کند، با تغییر مدیریت روبه‌رو می‌شویم و همه چیز به هم می‌ریزد. حالا تا دوباره مدیریت جدید بخواهد با مسائل آشنا شود و آزمون‌وخطا کند و تازه به موقعیت قبلی برسد، یک پروسه زمانی طولانی را باید پشت سر گذاشت.» وی ادامه داد: «حالا پس از گذشت ۷-۸ سال بار دیگر مدیران قبلی بازگشته‌اند و این تغییر و تحولات باعث می‌شود شرایط فرق کند، این وسط تنها چند سال هدر رفته و تلویزیون با افت مخاطب مواجه شده است.»

آقاخانی در ادامه با بیان اینکه هرچقدر هم که تغییر و تحولات خوب انجام شود، اما تا زمانی که پولی در مجموعه تزریق نشود کاری انجام نمی‌شود، گفت: «در سال‌های گذشته هم کارهای خوب تولید شد ولی تا وقتی پول نباشد، کار خوبی به ثمر نمی‌رسد. از سوی دیگر به اندازه‌ای فشار از سوی تهیه کنندگان برای کوتاه‌تر کردن زمان تولید و کم کردن هزینه‌ها وجود دارد که از کیفیت کار کاسته می‌شود. امیدوارم با تغییر و تحولات جدید شرایط فرق کند و شاهد اتفاقات خوبی در حوزه تولید باشیم.»

متن تفاهمنامه ایران و ایتالیا منتشر شد

موزه ماکسی کشور ایتالیا از مهم‌ترین موزه‌های هنر مدرن و معاصر، میزبان گنجینه هنر معاصر ایران خواهد شد. موزه هنرهای معاصر تهران متن تفاهمنامه فرهنگی هنری ایران و ایتالیا را منتشر کرد. بر اساس تفاهمنامه فرهنگی هنری گردشگری که میان رئیس جمهور ایران و نخست وزیر ایتالیا امضا شده، موزه ماکسی رم میزبان گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران می‌شود. طبق بند ۵ تفاهمنامه فرهنگی هنری گردشگری (نقشه راه) که توسط ریاست جمهوری ایران و نخست وزیر ایتالیا به امضا رسیده است، ۳۰ اثر ایرانی و ۳۰ اثر غربی از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در ژانویه ۲۰۱۷ در موزه ماکسی شهر رم به نمایش گذاشته خواهد شد.

موزه ملی ماکسی، مهم‌ترین موزه هنرهای معاصر رم است که طراحی و ساخت آن توسط گروه معماری زاها حدید انجام شده است. این تور نمایشگاهی به سرپرستی علی مرادخانی (معاون امور هنری وزارت ارشاد) قرار است در ماه دسامبر در کشورهای آلمان و ایتالیا به نمایش درآید. لازم به ذکر است؛ انجمن‌های هنری، گالری‌داران و هنرمندان هنرهای تجسمی با ارسال این آثار به این تور نمایشگاهی مخالف هستند و در بیانیه‌های مختلفی مخالفت خود را با آن اعلام کرده‌اند. همچنین ارسال آثار نمایشگاهی ایران براساس جدول زمانی ابتدا به برلین و پس از آن به ایتالیا صورت خواهد گرفت.